

کلیسا چیست؟ اگر به عهد جدید نگاه کنیم، اولین پاسخی که می‌یابیم این است: کلیسا بدن مسیح است: این بدان معنی است که هویت مسیح در کلیسا نهفته است. ما اعضای بدن او هستیم (اول قرن‌تین ۱۲، ۲۷ مطالعه کن؛).

12 زیرا بدن هرچند یکی است، از اعضای بسیار تشکیل شده؛ و همه اعضای بدن، اگرچه بسیارند، اما یک بدن را تشکیل می‌دهند.

اینکه کلیسا بدن مسیح است فقط یک مقایسه یا یک تصور ذهنی نیست، بلکه کلیسا به صورت واقعی بدن مسیح است. به این دلیل کلیسا حامل هویت عیسی است.

این بدان معناست که پیش از همه، کلیسا واقعیتی است که از میزان ایمان تک تک افراد مسیحی فراتر می‌رود. این کلیسا توسط خود عیسی تأسیس شده و خود عیسی این کلیسا را در روز آخر به خود باز خواهد گرداند. به همین دلیل، مهم است که هر فردی خود را در این بدن عیسی ادغام کند. زیرا دروازه‌های جهنم بر این کلیسا غلبه نمی‌کنند (متی ۱۶، ۱۸).

عیسی فرمود: تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می‌کنم و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت.

این واقعیت که کلیسا بدن مسیح است همچنین به این معنی است که کلیسا اساساً یکی است: فقط یک بدن مسیح وجود دارد، نه چندین بدن مسیح: "ما همه به وسیله یک روح در یک بدن تعمید یافتیم" (اول قرن‌تین ۱۲، ۱۳). ممکن است برخی بگویند. نه، این درست نیست: کلیساهای زیادی وجود دارند. کلیسای کاتولیک رومی، کلیسای انجیلی، و کلیسای اصلاح شده، و کلیسای لوتری، و بسیاری دیگر. اما همه این کلیساهای فقط ظاهر زمینی کلیسا هستند. یا همانطور که کلیسای ما می‌گوید: "کلیسای مرئی" علاوه بر کلیسای مرئی، کلیسای نامرئی نیز وجود دارد. و این کلیسا تنها خدا را می‌شناسد. از آنجا که چنین است، ما از طریق تعمید به کلیسای خاصی تعمید نمی‌گیریم، بلکه به بدن مسیح تعمید می‌گیریم. با وجود فرقه‌های مختلف، این امر توسط هر کلیسا به طور رسمی پذیرفته شده است، چون آنها غسل تعمید یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند.

قبلاً گفتیم یک کلیسای نامرئی وجود دارد. این درست است زیرا فقط خدا این کلیسا را می‌شناسد. اما خدا نمی‌خواهد ما را در ناآگاهی رها کند که کلیسایش را در این دنیا کجا می‌توان یافت. به همین دلیل عیسی شام آخر را برپا کرد. از آنجا که شام آخر خداوند است، می‌توان گفت: کلیسا در هر کجا وجود دارد که مسیحیان گرد هم می‌آیند تا شام مقدس را برگزار کنند، در آنجا آنها بدن مسیح را دریافت می‌کنند و بنابراین بارها و بارها بدن مسیح را شکل می‌دهند. این نیز به این معنی است: در هر جامعه‌ای که در آن شام آخر خداوند برگزار می‌شود، کلیسا به عنوان بدن مسیح کاملاً وجود دارد و ملموس است. بنابراین عهد جدید از همان کلمه یونانی *ekklesia* هم برای کلیسای محلی فردی و هم برای کلیسای بین‌المللی و جهانی استفاده می‌کند (افسیان ۵، ۲۳).

زیرا شوهر سر زن است، چنانکه مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات‌دهنده آن است.

هویت کلیسا نیز به این ترتیب خلاصه می‌شود: جوهر کلیسا در هر جایی است که کلام خدا به درستی آموزش داده شود و شام آخر مطابق سخنان مسیح در آنجا برگزار شود. با این کار می‌بینیم که کلیسا، کلیسایی نیست که جوهرش از کار پاک عضوهای کلیسا تشکیل شده باشد، بلکه کلیسا بر اساس کلام خدا و اشتراک مقدس بنا شده است. با وجود این، می‌بینیم که کلیسا دقیقاً از همین نقاط مورد حمله قرار گرفته و هنوز هم قرار می‌گیرد. وقتی کلام خدا به اشتباه آموزش داده می‌شود و شام آخر

به درستی یا اصلاً رعایت نمی شود، نمی توانیم به سادگی بگوییم که این تنها رسم دیگری در کلیسای دیگری است، و اهمیت بیشتری ندارد، این نقطه ایست که در آن کلام خدا زیر سؤال می رود. بنابراین نمی توانیم وانمود کنیم که اصول اشتباه مهم نیستند. از سوی دیگر، ما باید همیشه برای وحدت مسیحیان تلاش کنیم، زیرا می دانیم که کلیسا نه تنها یک باشگاه یا انجمن نیست، بلکه بدن مسیح است. اما ما نمی توانیم کلیسا را با وجود این همه آموزه های گوناگون، به یک کلیسای واحد فیزیکی تقلیل دهیم. این تلاش ها، برای اینکه کلیساها تنها به صورت فیزیکی در کنار هم قرار گیرند، حتی اگر آموزه های متفاوتی داشته باشند، معمولاً خیلی سریع افشا می شوند. مثلاً در زمانی که آنها با هم مراسم عبادت برگزار می کنند و یک گروه میل به شام آخر دارد و گروه دیگر آن را نمی خواهد. هرکسی که می خواهد کلیساهای دیگر را درک کند و شباهت ها، تفاوت ها و ویژگی ها را بشناسد، ابتدا باید کلیسای خود را بشناسد و درک کند. به همین دلیل است که ابتدا می پرسیم: کلیسای لوتری دقیقاً چیست؟

تنها ویژگی کلیسای لوتری این نیست که می خواهد مستقل از دولت باشد. و نه حتی کلیسایی است که به مارتین لوتر احترام می گذارد و یا حتی او را پرستش می کند. بلکه می خواهد همیشه با کلیسای اصلی عیسی مسیح که از قدیم وجود داشته، وابسته باشد. او می خواهد بخشی از بدن واحد مسیح باشد. زمانی که مارتین لوتر کلیسای کاتولیک رومی را به دلیل تعالیم نادرست مورد انتقاد قرار داد، نمی خواست کلیسای جدیدی تأسیس کند، بلکه می خواست آن کلیسا را به کلام خدا بازگرداند.

و این کلمه نیز رهنمودی است که بر تعلیم و عمل ما حاکم است. بنابراین اعتقادات مختلفی وجود دارند که ما در آنها با بسیاری از کلیساهای دیگر مشترک هستیم. برخی با کاتولیک رومی، برخی با ارتدوکس. با این حال، کتاب مقدس همیشه دستورالعملی است که با آن همه اعتقادات مورد آزمایش قرار می گیرند.

کتاب مقدس، همانطور که لوتریان آن را درک می کنند، فقط یک کتاب با قوانین مختلف نیست که به ما نشان می دهد چه کاری باید انجام دهیم یا انجام ندهیم. کتاب مقدس آغاز، میانه و پایان دارد. در آغاز آفرینش جهان است، در وسط عیسی مسیح و در پایان بازگشت عیسی است. بنابراین، کل کتاب مقدس در مورد مسیح است. اما شما واقعاً نمی توانید مسیح را بشناسید اگر ندانید چرا او انسان شد. بنابراین، مهم است که بدانیم ما انسان ها در برابر خدا گناهکار شده ایم و نمی توانیم اراده او را اجرا کنیم. بدون بخشش نمی توانیم به سوی خدا بیاییم. بنابراین، کتاب مقدس را می توان با دو نکته برجسته خلاصه کرد. اولین نقطه ی مهم کوه سینا است، جایی که خدا دستورات خود را به ما می دهد و بنابراین اراده خود را به ما نشان می دهد. در عین حال به ما نشان می دهد که گناهکار هستیم و نیاز به بخشش نیاز داریم. کوه دوم کوه گلگوتا است که خداوند در آن از طریق صلیب بخشش گناهان را به ما می دهد.

در کلیسای لوتری، ما معتقدیم که کل نجات ما به این عیسی و کار او بر روی صلیب بستگی دارد. کارهای خوب انسان را نمی توان با این کار منحصر به فرد عیسی مخلوط کرد، و ما همچنین نمی توانیم چیزی به مرگ عیسی بر روی صلیب اضافه کنیم تا خدا را خوشنود کنیم. آنچه عیسی انجام داد در غسل تعمید به ما داده شده. غسل تعمید هویت جدیدی است که ما از مسیح دریافت می کنیم. مثل یک لباس است. وقتی خدا جامه سفید را می بیند، مسیح را می بیند. البته مسیحیان نیز گناهکار هستند و بنابراین همیشه نیاز به بخشش دارند. زمانی که به کلیسا می آیند، توبه می کنند، به گناه خود اعتراف می کنند و کشیش برای آنها اعلام می کند: "گناهان شما به نام پدر و پسر و روح القدس بخشیده شده است." آنها این بخشش را دریافت می کنند. کلیسای ما انجیلی نام دارد، زیرا کلمه انجیل

به معنای شادی است. مایه ی خوشحالی است که بدانیم خدا از طریق کلام خود ما را فرزندان خود می سازد و ما می توانیم از طریق کلیسا در عیسی شریک باشیم. این کلیسا فقط لوتری نامیده می شود تا بتوانیم بین کلیساهای اصلاح شده که مانند ما به عشای ربانی اعتقاد ندارند، تمایز قائل شویم. در قسمت بعدی بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد. کلیساهای لوتری در هر مکان نیز نام خاص خود را دارند. نام کلیسای خاص ما در لایپزیگ چیست؟ کلیسای ما جامعه تثلیث انجیلی لوتری در کلیسای لوقا نام دارد. بیش از صد سال است که کلیسای ما تثلیث نامیده می شود. اما از آنجایی که ما اکنون در کلیسای لوقا مراسم خدمات را برگزار می کنیم، نام کلیسای لوقا را نیز ذکر می کنیم. این فقط یک کمک برای مردم محلی است تا بدانند ما کجا هستیم، زیرا اکثر مردم این منطقه کلیسای لوقا را می شناسند اما نمی دانند trinitatis به چه معناست.